

ده دروغ بزرگ رسانه های گروهی راجع به اسرائیل

میشل کولون Michel Collon روزنامه نگار، بلژیک
نویسنده کتاب «اسرائیل، درباره اش حرف بزنیم» (1)

ترجمه تراب حق شناس

در کار نگارش این کتاب که بودم، از همکارانم خواستارم از مردم کوچه و بازار در بروکسل، برحسب اتفاق، بپرسند که آنها درباره تاریخ و موقعیت اسرائیل چه می دانند. پاسخ ها فاجعه بار بود. همه حاکی از جهل و عدم اطلاع. اما این جهل عمومی ناشی از تصادف نیست، بلکه نتیجه 60 سال تبلیغات رسانه های گوناگون اروپایی است که خود را بهترین میانجی های اطلاع رسانی دنیا می دانند و کارشان در این باره چیزی جز بازتاب سیاست های تبلیغاتی و پروپاگاندا اسرائیل نیست، امری که خود نشان می دهد که آنها برای مردم و آگاهی آنان هیچ اهمیتی قائل نیستند.



من این پروپاگاندا را در سطوری که در پی می آید به صورت ده دروغ بزرگ رسانه ها خلاصه می کنم؛ ده دروغ بزرگی که برای توجیه موجودیت و اقدامات اسرائیل جعل شده است:

1- دروغ نخست اینکه می گویند اسرائیل در واکنش به کشتار عام یهودیان در جنگ جهانی دوم 1940-45 به وجود آمده

است:

این کاملاً غلط است. اسرائیل در حقیقت یک پروژه استعماری است که در کنگره یهود در شهر بال (سوئیس) منعقد در 1897 تصویب شد و ناسیونالیست های یهودتصمیم گرفتند فلسطین را به استعمار خویش در آورند. در آن زمان واژه استعمار و کولونیاالیسم شرم آور نبود. آنها به قدرت های استعماری آن زمان روی آوردند تا از این پروژه پشتیبانی کنند. امپراتوری عثمانی چندان علاقه ای به این پروژه نداشت و بدان اهمیتی نمی داد، اما بر عکس، امپراتوری انگلیس بسیار به این طرح علاقمند بود، چون می خواست در قلب جهان عرب یعنی درست بین دو شرق و غرب این منطقه، یعنی در فلسطین، کولون ها (مهاجرینی) مستقر شوند تا مصر را که قدرتی بود تضعیف کنند و کنترل کانال سوئز را خود در دست داشته باشند تا بتوانند به مستعمرات دیگر خود اسلحه بفرستند. بعدها، ایالات متحده حمایت از پروژه استعمار فلسطین را به عهده گرفت چون هدفش دسترسی به نفت خاورمیانه بود. بنا بر این برپایی دولت اسرائیل نه ناشی از جنگ جهانی دوم، بلکه مربوط به یک پروژه استعماری است که از مدتها پیش طرح ریزی شده بود. باید یادآوری کرد که در همان زمان دوره تاریخی، قدرت های استعماری اروپا سراسر آفریقا را مثل یک کیک معمولی بین خود تقسیم کرده بودند. در سال 1885 کنفرانسی از قدرت های استعماری در برلین، بر سر آفریقا برپا شد با شرکت بریتانیا، فرانسه، بلژیک، پرتغال، آلمان که البته از هیچ آفریقایی برای شرکت در کنفرانس دعوتی به عمل نیامده بود. آن دوره دوره ای استعماری است و اسرائیل یک پروژه استعماری. این را به روشنی باید گفت.

2- دومین توجیه برای جا انداختن اسرائیل و مشروع جلوه دادن آن این است که می گویند یهودیان به سرزمین نیاکان خود

که در سال 70 میلادی از آن طرد شدند باز میگردند. این هم یک افسانه است، زیرا من با مورخ معروف اسرائیلی شلومو ساند و مورخین دیگری گفتگو کردم. آنها تأکید می کنند که Exode یا خروج در کار نبوده و بنا بر این retour یا بازگشت بی معناست. تحولات سیاسی و اجتماعی و نیز حمله های دشمنانی وجود داشته اما جمعیت ساکن در فلسطین در زمان باستان از منطقه بیرون نرفته است (2). در واقع، نواده های جمعیت یهودی عهد باستان در فلسطین همین فلسطینی های امروزند. آنانی که گفته می شود به سرزمین خود باز می گردند کسانی هستند از اروپای غربی و شرقی و از مغرب (شمال آفریقا) که به دین یهود درآمده اند و همان

طور که شلومو ساند می گوید: ملت یهود وجود ندارد. نه تاریخ مشترک، نه زبان و فرهنگ مشترک که دین آنها مشترک بوده که با دین ملت درست نمی شود. وقتی ملت مسلمان و ملت مسیحی وجود ندارد، ملت یهودی هم وجود ندارد.

3- سومین دروغ بزرگ اینکه گفته می شود اگر مهاجران یهودی رفته اند و آنجا را مستعمره کرده اند مهم نیست زیرا فلسطین سرزمینی خالی و غیر مسکونی بوده است. این هم دروغ بزرگی ست. اسناد و شهادانی تأکید می کنند که در اوایل قرن 19 فلسطین دریای گندم بوده، محصولات کشاورزی آن از جمله به فرانسه صادر می شده: روغن، صابون و پرتقال معروف جافا. وقتی کولون های یهودی و نیروهای انگلیسی می خواستند در آنجا مستقر شوند دهقانان فلسطینی حاضر نمی شدند زمین های خود را رها کنند و به آنان تسلیم شوند. بین آنان و تازه واردان درگیری های متعدد رخ داد، تظاهرات، شورش، اعتصاب عمومی، مبارزات چریکی پیش آمد و بسیاری کشته شدند. آری فلسطین هرچیزی بوده جز بیابان. مقاومت اهالی را تنها با سرکوب بسیار سختی در هم شکسته اند که اشغالگران انگلیسی و سپس صهیونیست ها مرتکب شده اند.

4- چهارم اینکه کسانی می گویند اینکه گفتید قبول، اما فلسطینی ها به میل خود آنجا را ترک کرده اند. این هم دروغ بزرگی ست و غلط. من خود زمانی اینطور فکر می کردم. کسان زیادی چنین باوری داشتند که خود ناشی از تبلیغات اسرائیلی بود، تا زمانی که «مورخین جدید اسرائیلی» مانند بنی موریس، ایلان پایه و دیگران پیدا شدند که می گویند ابدأ چنین نیست، بلکه فلسطینی ها را با اعمال خشونت تمام و ترور و عملیات منظم و پیوسته از سرزمین خویش طرد و اخراج کرده اند تا سرزمین از سکنه اش خالی شود. آری این افسانه ای ست که تحریف تاریخ است و اسرائیل آن را همواره از انظار پنهان نگاه داشته است.

5- درباره وضع امروز می گویند که اسرائیل تنها دموکراسی در خاورمیانه است و بنابر این باید از آن دفاع کرد زیرا «دولت قانون» است. به نظر من اسرائیل دولت قانون نیست، بلکه تنها دولتی ست در جهان که هیچ قانونی محدوده مرزهای آن را مشخص نمی کند. در تمام کشورهای دنیا قانون اساسی بی وجود دارد که معلوم می کند قلمرو کشور تا کجا ست و فراتر از آن در قلمرو آن نیست. اما اسرائیل چنین وضعی ندارد زیرا پروژه ای ست توسعه طلبانه که مرز و محدوده ای ندارد و قانونش کاملاً نژادپرستانه است مبنی بر اینکه اسرائیل دولت (یا کشور) یهود است و غیر یهودیان شهروندان مادون انسان اند. چنین قانونی خود نفی و نقض دموکراسی ست. پس، اسرائیل را به هیچ رو نمی توان دموکراسی نامید، بلکه همان استعمار است و دزدی اراضی دیگران؛ پاکسازی قومی اهالی فلسطین است و نباید آن را به عنوان دموکراسی پذیرفت. البته خواهند گفت پارلمان دارد، رسانه های گروهی دارد و امکان انتقاد از دولت وجود دارد. اینها درست است، اما یک دولت که برپایه غصب و دزدی سرزمین دیگران استوار باشد درواقع، دموکراسی بین دزدان و غاصبان است تا ببینند چطور می توانند به دزدی ادامه دهند. این را نمی توان دموکراسی نامید. استعمار است. دیکتاتوری ست.

6- می گویند هدفی که آمریکا در حمایت از اسرائیل دارد همانا حمایت از دموکراسی در خاورمیانه است. می دانیم که آمریکا سالانه 3 میلیارد دلار به اسرائیل کمک نظامی می دهد تا همسایگانش را بمباران کند. اگر آمریکا خواستار حمایت از دموکراسی ست، پس کیست جز آمریکا که دیکتاتوری های عربستان سعودی، کویت و دیکتاتوری حسنی مبارک را در مصر، که همه دستشان به خون مردم آغشته است، حفظ و نگهداری می کند؟ درواقع، آنچه آمریکا در منطقه می خواهد نه دموکراسی، بلکه جریان یافتن بی دردسر نفت است. از بین کسانی که در کتاب با آنها مصاحبه کرده ام، ناتوم چامسکی و سمیر امین این نکته را به روشنی بیان می کنند. آمریکا خواهان کنترل جریان نفت است و با سرکوب می خواهد هر مانعی را از سر راه آن بردارد و کسانی را که نمی خواهند نفت خود را به رایگان در اختیار آمریکا قرار دهند در هم بکوبد. این را در جنگ عراق و دیگر تجاوزهای آمریکا دیده ایم. اما این را هم باید گفت که آمریکا نمی تواند هر جا هم خواست حمله کند و هرکسی را که از او خوشش نمی آید به راحتی حذف کند. چامسکی در مصاحبه اش آمریکا را ژاندارم منطقه (Flic du quartier) نامیده است. آمریکا با کودتا علیه مصدق که منتخب مردم بود دیکتاتوری شاه را بر ایران تحمیل کرد اما سرانجام نفوذ خود در ایران را از دست داد. آمریکا تنها اسرائیل را در منطقه دارد و لذا از آن دائماً حمایت می کند. هر زمان که اسرائیل قوانین بین المللی را زیر پا می گذارد، مقررات ملل متحد و برابری بین افراد انسانی را نقض می کند آمریکا از آن دفاع می کند. روشن است که این جنگ اقتصادی ست که آمریکا ادامه می دهد.

7- وانمود می کنند که آمریکا در جست و جوی توافقی بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها ست. این هم صد در صد غلط است و دروغ. خاویر سولانا که وزیر خارجه اتحادیه اروپا بود چندی پیش خطاب به اسرائیل اعلام کرد که «شما دولت بیست و یکم اتحادیه اروپا هستید» صنایع تسلیحاتی اروپا با صنایع تسلیحاتی اسرائیل همکاری می کنند و آن را تأمین مالی می نمایند. کارفرماهای فرانسوی مانند لاگارد (Lagardère) و داسو (Dassault) که بسیار نزدیک به سرکوزی هستند با اسرائیل همکاری تسلیحاتی دارند. برعکس، وقتی فلسطینی ها دولت خود را در انتخابات برگزیدند اروپا حاضر نشد آن را به رسمیت بشناسد و به اسرائیل بارها چراغ سبز دادند که غزه را بمباران کند. بنا بر این باید بر همه روشن باشد که وقتی رهبران اسرائیل، مانند اولمرت، باراک و غیره، غزه و کلاً فلسطینی ها را بمباران می کنند سرکوزی و آنجلا مرکل و دیگران نیز در جنایت شریک اند.

8- وقتی شما این حرفها را می زنید و تاریخ و سرگذشت اسرائیل و فلسطینی ها را می گویند، وقتی منافع آمریکا را به خوبی در این ماجرا نشان می دهید می گویند شما یهودی ستیز (آنتی سمیت) هستید تا دهانتان را ببندند. باید به وضوح گفت که وقتی از دولت اسرائیل انتقاد می کنیم نه تنها نژادپرست و یهودی ستیز نیستیم، بلکه بر عکس از دولتی انتقاد می کنیم که برابری انسانی بین

یهودی و مسیحی و مسلمان را زیر پا می گذارد و در نتیجه، صلح و آرامش را بین موجودات انسانی یهودی و مسیحی و مسلمان نقض می کند و به این دلیل است که باید دولت اسرائیل را از ارتکاب این جنایت بازداشت، زیرا استراتژی او چیزی جز اشاعه کینه و نفرت نیست.

9- رسانه های گروهی پاسخ می دهند که اما فلسطینی ها عامل خشونت و تروریسم اند. حرف ما این است که خشونت یعنی همان استعمار، یعنی اشغالگری ارتش اسرائیل، و سیاستی که از فلسطینی ها زمین شان، خانه شان و هر آنچه را که داشته اند دزدیده اند. این ارتش اسرائیل است که با ممانعت از اینکه فلسطینی ها یک زندگی عادی داشته باشند به خشونت دست می زنند. در سر راه به خانه، مزرعه، کارخانه، بیمارستان و اداره، با چک پوینت (checkpoint) یا پست بازرسی روبرو هستی که گاه چند ساعت یا یک روز تمام معطل می شوی. هستند زنانی باردار که در نتیجه همین معطلی ها به بیمارستان نرسیده و خود با بچه شان جان خویش را از دست داده اند. بنابراین، خشونت یعنی اشغالگری. توجه کنیم که ملل متحد در متون اساسی خود برای کلیه خلق های تحت ستم و استعمارزده این حق را به رسمیت می شناسد که به هر طریقی که خود آن را درست تشخیص می دهند در برابر اشغالگر مقاومت کنند. بنابراین، مقاومت امری ست مشروع، و خشونت که همان اشغالگری ست غیرقانونی و نامشروع.

10- مسأله ای که غالباً مطرح می شود این است که در برابر اینهمه کینه و نفرت که توسط اسرائیل و همدستان او اشاعه داده می شود گویا دیگر راهی جز ادامه همین وضع نیست زیرا هیچ راه حلی وجود ندارد. باید دانست که راه حل وجود دارد. سازمان های بزرگ فلسطینی از همان دهه 1960 [منظور سازمان الفتح است در سال 1968] پیشنهادی دادند بسیار دموکراتیک و ساده، یعنی یک دولت بدون تبعیض، یعنی حقوق مساوی بین یهودیان، مسیحیان و مسلمانان و لائیک ها. این همان تعریف درست دموکراسی ست: یک نفر (مرد یا زن)، یک رأی. اسرائیل همواره این راه حل ها را رد کرده و برعکس، اقدام به زندانی کردن یا قتل و ترور نه تنها رهبران حماس، بلکه رهبران الفتح، جبهه خلق فلسطین و نیز جبهه دموکراتیک و غیره کرده است. اسرائیل حاضر به مذاکره نیست و اگر دلایلش را جستجو کنیم پی می بریم که تنها دلیل این است که اسرائیل در خدمت جریان یافتن نفت به آمریکا ست. این جنگی ست اقتصادی، جنگی به خاطر نفت و منافع چند ملیتی ها.

تنها چیزی که می تواند این روند را متوقف کند همانا فشار مردمی و شهروندی بر دولت هایی ست که همدست اسرائیل هستند در آمریکا، اروپا و هر جای دیگر. فشار روی رسانه های گروهی که از بیان حقیقت و فاشگویی سرباز می زنند و علاوه بر آن، به کارگیری اینترنت یا هر وسیله دیگری مانند آنچه ما انجام می دهیم یعنی انتشار خبرنامه درباره فلسطین ... هرکسی باید دست به روشنگری بزند، دروغ زنی های رسانه ها را افشا کند تا بتوان به وضعیتی رسید که راه حلی جهت استقرار صلح در خاور میانه به دست آید و پیاده شود.

یادداشت ها:

1- Michel Collon, Israel, parlons-en ! Ed. Investig'action-couleur livres, 2010.

2- رک. مقاله «ملت یهود چگونه اختراع شد» از شلومو ساند.

<http://www.peykarandees.org/felestin/170-melate-yahood.html>

منبع: همین متن به صورت ویدئو به زبان فرانسوی در سایت:

<http://www.europalestine.com/spip.php?article5181>